

با بیش از ۳۰۰ تابلوی خوشنویسی و اثر هنری

می گذشت. یا خود می گفتم اگر استقبال نشود! اگر مردم این خط و تابلوها را به سخره بگیرند! اگر طعنه بشنوم و ... این نمایشگاه را در تالار سلطانعلی مشهدی خیابان کوهسنگی نمایشگاهی دایر کردم و آثار خود را به معرض دید علاقمندان گذاشتم.

شهادت دارد.

حضور در نمایشگاه:

اولین نمایشگاه خوشنویسی که به نوعی مراسم رسمی رونمایی از خط احرام محسوب می شد، برای من سرشار از استرس بود و اما و اگرها و سوالات زیادی از ذهنم

شعری برای مادر

مادر، ای مهد عاطفه
می رسد آوازت از هر کران به گوش
ای مهربان پسر سلام
دریای مهربانی و لطف و صفا و عشق
تایی نهایت هستی
تا عرش اولیا
با من بخوان سرود شوق شکفتن بهار
با من بخوان شکوه عزت و فخر این دیار
با من بخوان ای مهربان پسر

آوای مهربانیت
ای مادر عزیز
به گوش من
هزار بار به نجوا نشسته است
و مهر و عشق و محبت تو
به قلب و سینه من نقش بسته است
این درد و داغ تو مادر، به دیده ام
باران شور و شوق، به دنیا به هم زده
در دفتر حضور عشق، به عالم رقم زده
نامت بلند باد ای مهد عاطفه
ای محور حضور
ای مادر من، ای معنی بلور

نامت بلند باد
که چو من را تو زاده ای
تا پر کند این جهان به عشق
در جان روزگار، در دفتر بهار
من مانده ام
به چه نامی بخوانمت
ای مادر ای همه عرش و فرش من
ای مهربان من سلام

من در سالهای دفاع مقدس شهید شده اند، تعدادی از آنها در آغوش من جان به جان آفرین تسلیم شدند، بعضی از دوستان می رفتند جبهه و یک یا دو سال و یا بیشتر ماندگار می شدند اما من و دوستم آقای فرقانی ۴۵ روز می رفتیم جبهه، بعد مدتی رادر شهر خود بودیم و باز در فرصتی دیگر و هنگام عملیات جدید به جبهه می رفتیم. وقتی از جبهه بر می گشتیم چندین ماه می ماندیم و کارهای فرهنگی زیادی انجام می دادیم. من در کلیشه های چند رنگ تبحر داشتم و عکس شهدا را با کلیشه روی دیوارها کار می کردیم. با این کارها دل خانواده شهدا را شاد می کردیم. یکی از دوستانم به نام آقای یوسف حسینی به من گفتند که بیا یک عکسی از من قبل از شهید شدنم بکش، من چند تا کلیشه درست کردم و به صورت رنگی عکس ایشان را زدم و زیر عکس هم نوشتم شهید یوسف حسینی، ایشان دو سه تا از این کارها را که روی پارچه پیاده کرده بودم از من گرفت و خشک کرد و تا کرد و داخل گاوصندوق منزلش گذاشت. ایشان دو سال بعد شهید شدند و من برای تسلیت به منزل ایشان رفتم و دیدم همین عکس ها را گوشه و کنار خانه گذاشته بودند. مادرش گفتند: پسر من قبل از شهید شدن این عکس ها را داده بود به دوستانش بکشند و گذاشته بود داخل گاوصندوق. شهید سلیمانی می فرمایند افرادی که شهید می شوند این ها قبل از شهید شده اند، این جمله خیلی معنا دارد و حکایت از آمادگی افراد قبل از

نمایم.

رابطه شما با نقاشی چگونه است؟

من در سالهای جنگ تصاویر شهدای گرانقدر را نقاشی می کردم و تاکنون عکس بیش از ۱۰۰۰ شهید را نقاشی کرده ام. برخی از کارهای ما تلفیق و ترکیبی از خط و نقاشی است.

و آینده:

انسان ها برای ماندگار شدن باید نوآفرینی کنند تا حرفی برای گفتن داشته باشند و تنها راه آن مطالعه، تحقیق و پژوهش است. باید حرف هایی بزنیم که برای آیندگان نیز کارایی و کاربری داشته باشد نه اینکه فقط از گذشته بگوییم. برای اینکه بخواهیم یک خطی را بیافرینم باید از درون مایه بگذاریم، باید در آن ایده و خط غوطه ور شویم. تا این اتفاق نیفتد نتیجه مثبتی حاصل نمی شود. این موضوع را می توان به تمام جریان و وابستگی های زندگی تعمیم داد. خوشنویسی را به عنوان زبان دست در برخی از نمایشگاه ها هزینه هایی را به عهده گرفته اند.

من علاوه بر خوشنویسی و نوشتن کتاب و جزوه های تخصصی با عنوان هنری و ادبی، به امور زندگی و فرزندان و دغدغه های خانواده نیز باید بپردازم، مدیریت مدرسه غیرانتفاعی کرامت و مسئولیت و عضویت در برخی از انجمن ها و تشکلهای مثل مدارس مذهبی مشهد هم هست. نباید هیچکدام از این وظایف و امور در تزامن با سایر وظایف و مشغله ها باشد. در شبانه روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می کنم.

آیا در محیط مدرسه، دانش آموزان را به هنر تشویق می کنید:

بله، دبیر هنر مدرسه آثار من را در معرض دید دانش آموزان می گذارد و مدام آنها را تشویق می کند. بنده هم در کانال های مجازی آثار خود را با دانش آموزان به اشتراک می گذارم.

چه تعاملی با اداره آموزش و پرورش دارید، آیا حمایت و همراهی خاصی با شما داشته اند؟

در برخی از نمایشگاه ها هزینه هایی را به عهده گرفته اند.

کدام افراد از جناب عالی حمایت شایسته ای داشته اند:

آقای حمیدرضا فرقانی همیشه همراه بنده هستند، جا دارد از خانواده ام که این شرایط سخت را تحمل می کنند قدردانی کنم. همسرم از سالهای دور تا امروز مقدمات و شرایط را برای تعلیم و تربیت و رشد و تعالی فرزندانمان فراهم کرده اند و من به پشتوانه ای حضور ایشان توانستم با طیب خاطر فعالیت های خود را دنبال

بتواند رنگ را جذب کند، استفاده می کنیم. کاغذ را با زاج سفید که نوعی نمک برای گندزدایی می باشد، آغشته می کنیم تا در طول زمان بیش از ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال موریانه آن را از بین نبرد. این مواد را با آب و حنا و برخی مواقع گل زعفران و سدر مخلوط می کنیم و کاغذها با رنگ های مختلفی به دست می آید. این کاغذها را پهن می کنیم تا خشک شوند. این روش را ما استفاده می کنیم و بیشتر خطاط ها از کاغذهای حاضری موجود در بازار استفاده می کنند. برای نوشتن از قلم نی درشت خطاطی و مرکب مخصوص استفاده می کنیم. من کتابی تالیف کرده ام با عنوان روش های ساخت ۸۰ نوع مرکب و حتی راجع به چگونگی ساخت کاغذ نیز کتاب نوشته ام. کتابی هم آماده چاپ دارم با عنوان چگونه به کاغذهای بی جان جان ببخشیم.

توصیه به جوانان:

ما انسان ها یک راه بیشتر نداریم. دکتر شریعتی می گفتند: پسر من اگر می خواهی به دست هیچ استعمارگری گرفتار نشوی یک کار بکن: بخوان و بخوان و بخوان. من هم به جوانان توصیه می کنم که اگر می خواهید آزاد زندگی کنید و آزاد مرد باشید و خودتان برای خودتان تصمیم بگیرید نه دیگران برای شما تصمیم بگیرند، فقط سفارش می کنم بخوانید و بخوانید و بخوانید.

جناب عالی در شبانه روز چند ساعت کار می کنید و مشغله های شما کدامند؟

